خراسان روزنامه صبح ایران
یک‌شنبه ۱۳ آبان ۱۳۹۷ . ۲۵ صفر ۱۴۴۰ . شماره ۱۹۹۵۵

جاسوسی کره جنوبی از وضعیت سلامتی اون

جاسوسان کره جنوبی با استفاده از فناوری سه بعدی تغییرات جسمی رهبر کره شمالی را زیر نظر دارند. حتی سرویس اطلاعات ملی سئول این اطلاعات را به اعضای پارلمان این کشور گزارش داده است. به گزارش یونهاپ، کیم جونگ اون ۳۵ سال دارد و از زمان در دست گرفتن قدرت در کره شمالی در سال ۲۰۱۱ چند بیماری داشته است. او در سال ۲۰۱۴ چند هفته ناپدید شد و پس از مدتی پیونگ یانگ تایید کرد که او بیمار شده است. رهبر کره شمالی از زمان بر عهده گرفتن مسئولیت فعلی خود چاق‌تر شده و در یکی از جلسات پارلمان کره شمالی در سال ۲۰۱۴ در راه رفتن لنگ می‌زده و حین سخنرانی با عصا ایستاده بوده است!

تحلیل روز

صابر گل عنبری

آن سوی «سپر عرب ۱»

بزرگ‌ترین تمرین نظامی زمینی، هوایی و دریایی عربی با مشارکت هشت کشور در مصر آغاز شد. تمرین‌های زمینی در پایگاه نظامی محمد نجیب در شمال غربی مصر و تمرین‌های هوایی و دریایی نیز در محدوده دریای مدیترانه انجام می‌شود. در مانورهای «سپر عرب ۱» هشت کشور عربی شرکت دارند که عبارت‌اند از: مصر، اردن، عربستان، کویت، امارات، بحرین، مراکش و لبنان. دو کشور مراکش و لبنان نیروییِ اعزام نکرده‌اند و صرفا ناظر هستند و این مانور دو هفته ادامه می‌یابد. قاهره هدف از برگزاری این مانور را تقویت روابط نظامی با کشورهای شرکت‌کننده و مقابله با چالش‌های مشترک اعلام کرده و دور از ذهن است که این اعلان مصر، غایت این برنامه باشد. این مانور، "سپر عرب ۱" نام گرفته و از شماره‌بندی آن مشخص است که سرآغازی است برای سپرهای عرب ۲ و ۳ و.... این اقدام نظامی در حالی است که مدتی است حرف و حدیث‌ها از شکل‌گیری ناتوی عربی بالا گرفته است. خبرگزاری رویترز در ژوئیه گذشته خبر داد که دولت آمریکا برای تشکیل این تشکل نظامی عربی به کشورهای مربوط فشار می‌آورد. نکته جالب این جاست که قطر و عمان در این تمرین شرکت ندارند و محل انجام آن نیز مصر است و نشان می‌دهد به احتمال زیاد مقرفرماندهی در این کشور خواهد بود که بزرگ‌ترین ارتش عربی را دارد. به یقین هدف ناتوی عربی مقابله با اسرائیل نیست، به این دلیل که از یک سو طراح این ایده آمریکاست و از سوی دیگر، حدود چهار دهه است که کشورهای عربی گزینه نظامی را درباره این رژیم کنار گذاشته و حذف کرده‌اند. در همین حال، خیزش رسمی کشورهای موثر عربی برای عادی‌سازی روابط با تل‌آویو مویداین مدعاست. از این لحاظ می‌توان از اسرائیل به عنوان طرفِ "پیدا و پنهان" یا به اصطلاح عربی "غایب حاضر" در ناتوی عربی نام برد. اکنون پرسش این جاست که هدف ناتوی عربی چیست؟ دولت آمریکا به دنبال آن است که اجرای گام به گام طرح معامله قرن و رونمایی از آن در آخرین پلان به شکل‌گیری یک نظم امنیتی و نظامی جدید در منطقه ختم شود. در واقع ناتوی عربی بخشی از این نظم برای مقابله با چالش‌های امنیتی و نظامی و کمک به تثبیت خود این نظم با محوریت طرح پیش گفته است. از این رو، هدف نهایی این تشکل نظامی امنیتی نوعی مقابله با مخالفان نظم جدید و در راس آن‌ها ایران، گروه‌های مقاومتی فلسطینی و لبنانی است.

رئیس جمهور ترکیه: بالاترین مقام‌های ریاض دستور قتل خاشقچی را داده‌اند

پنجه اردوغان همچنان روی گلوی بن سلمان

شریفی- حالا که پس از گذشت یک ماه، سعودی‌ها تمایلی به گفتن همه حقیقت درباره قتل خاشقچی ندارند و آمریکا نیز در این باره روزه سکوت گرفته، رئیس جمهور ترکیه و مشاورش در روزنامه‌های واشنگتن پست و حریت، بار دیگر پرده از رازهای این جنایت برداشتند. البته رجب طیب اردوغان نشان داده تصمیم به افشای یک باره اطلاعات ندارد و از این که گام به گام سعودی‌ها را با روایت خود همراه کند و امتیاز بگیرد، لذت می‌برد. «یاسین آکتای» مشاور اردوغان و عضو ارشد حزب عدالت و توسعه، طی مقاله‌ای در روزنامه حریت به موضوع چگونگی قتل جمال خاشقچی پرداخت و نوشت: ما پیش از این می‌دانستیم که جنازه خاشقچی توسط ماموران آل سعود قطعه قطعه شده است اما امروز اسنادی در اختیار داریم که نشان می‌دهد قطعات جنازه به دست عوامل جنایت در اسید دوب شده است. گزارش دادستانی استانبول نیز نحوه قتل خاشقچی را به این شکل تایید می‌کند. «یاسین آکتای» می‌گوید: «تنها نتیجه منطقی» این است که عاملان قتل روزنامه‌نگار سعودی جسد را نابود کرده‌اند «طوری که اثری از آن نماند.» در همین زمینه روزنامه واشنگتن پست نیز نوشته است: «شواهد بیولوژیکی» این کار در باغ کنسولگری عربستان در استانبول پیدا شده است. گفتنی است در بازرسی ۹ ساعته‌ای که بازرسان ترک و سعودی در کنسولگری در استانبول داشتند، بخشی از خاک کنسولگری عربستان برای بررسی به آزمایشگاه برده شده بود. در کنار سخنان مشاور اردوغان، یادداشت رئیس جمهور ترکیه برای ستون مهمان روزنامه واشنگتن پست نیز حائز اهمیت است. اردوغان در این یادداشت «بالاترین رده‌های حکومت» ریاض را مسئول قتل جمال معرفی کرد. او با این همه تاکید کرد «حتی یک ثانیه» نیز باور ندارد که ملک سلمان، پادشاه عربستان دستور این قتل را داده باشد. اما اردوغان، «تلاش‌های مقامات سعودی را برای سرپوش گذاشتن بر قتل برنامه‌ریزی شده خاشقچی به جای پیگیری عدالت» تاسف‌آور خواند. به نظر می‌رسد رئیس جمهور ترکیه با این یادداشت خود در یک روزنامه آمریکایی همزمان چند پیام مهم را به طرف‌های مختلف ارسال کرده باشد؛ نخست به آمریکایی‌ها گفته است که ملک سلمان قاتل خاشقچی نیست بلکه فرد دیگری که دارای بالاترین مقام است چنین دستوری را داده است. دیگر آن که دولت وی همه شواهد و مدارک را در اختیار دولت آمریکا و برخی از کشورهای دیگر قرار داده و این یعنی آمریکایی‌ها اکنون می‌دانند که قاتل اصلی و واقعی جمال خاشقچی چه کسی است، این همان موضوعی است که همه مردم دنیا نیز از آن اطلاع دارند. همه شواهد و قرائن حکایت از آن دارد که دولت ترکیه نمی‌خواهد این بازی را به سادگی به پایان برساند و آمر و عامل اصلی این قتل که همان محمد بن سلمان اره به دوش باشد، جان سالم از این ماجرا به در ببرد. اردوغان با یک سیاست آرام و پیوسته، بدون آن که اجازه دهد موضوع مرگ خاشقچی مشمول مرور زمان و کهنگی شود، دست بر زخم ولیعهد سعودی گذاشته و آن را در فواصل زمانی مختلف فشار می‌دهد. او از این موضوع نیز بدش نمی‌آید که بن سلمان و ترامپ با هم هزینه این آدمکشی را بدهند و به همین دلیل در رسانه‌های آمریکایی دست به اطلاع‌رسانی می‌زند.

نگاهی به کارنامه شرکت ترور و آدمکشی که رهبر انقلاب از آن نام برد

سیاهه «بلک واتر»

رهبر انقلاب دیروز و در آستانه ۱۳ آبان روز ملی مبارزه با استکبار، با بیان این که «اکنون نه تنها اقتدار معنوی و قدرت نرم آمریکا رو به افول است بلکه اقدامات رئیس جمهور عجیب و غریب فعلیِ آمریکا، لیبرال دموکراسی را نیز که پایه تمدن غرب است، بی‌آبرو کرده است» فرمودند: «آمریکایی‌ها ابزار نظامی دارند اما به علت افسردگی، سردرگمی و تردید سربازان‌شان مجبورند از سازمان‌های جنایتکاری نظیر بلک‌واتر برای تحقق اهداف‌شان در کشورهای دیگر کمک بگیرند». اکنون این سوال پیش می‌آید که بلک واتر چه گروهی است و چه وظیفه‌ای برعهده دارد؟ واقعیت این است که پس از حملات ۱۱ سپتامبر و بهانه آمریکا برای حضور نظامی در منطقه خاورمیانه، شرکت‌های خصوصی امنیتی و نظامی با حمایت‌های آمریکا در این کشور به وجود آمد که یکی از این شرکت‌ها بلک‌واتر بود. بلک‌واتر آمریکا که در سال ۱۹۹۷ تأسیس شده بود، اولین قرارداد خود را پس از حمله‌ای به نام "یواس اس کول" (USS Cole) در ساحل یمن در اکتبر سال ۲۰۰۰ منعقد کرد. این شرکت پس از برنده شدن در مناقصه، عملیات آموزش صدهزار ملوان را بر عهده گرفت. پس از این معامله، فردی به نام پرنس یک زمین به مساحت ۲۸ کیلومتر مربع در مرز بین ایالات کارولینای شمالی و ویرجینیا خریداری کرد و در آن جا تأسیسات آموزشی و نظامی پیشرفته خود را بنا نهاد. در سال ۲۰۰۲ شرکت "مشاوره امنیتی بلک‌واتر" (BlackwaterSecurityConsulting) تأسیس شد و در اولین مأموریت اش ۲۰ نفر از افراد خود را با هویت مخفی برای محافظت از مقرسیا و پایگاه مسئول شکار "بن لادن" اعزام کرد. پس از حمله آمریکا به افغانستان، بلک‌واتر وارد این کشور شد. در سال ۲۰۰۳ بلک‌واتر با حضور در عراق به بهانه نظامی و برقراری امنیت، دست به کشتار بی‌رحمانه مسلمانان عراق زد؛ این شرکت که در انحصار وزارت خارجه آمریکا بود، پس از چند سال فعالیت رسوایی‌های زیادی از خود به جا گذاشت. اگرچه کشورهای منطقه می‌دانستند تنها دلیلی که بلک‌واتر نمی‌تواند به خاطر آن به عراق آمده باشد، برقراری امنیت است اما در نهایت رسوایی این شرکت خصوصی از طریق رسانه‌های آمریکایی منتشر شد. حتی پایگاه اینترنتی المحیط گزارش داد: دوتن از کارمندان سابق شرکت امنیتی بلک‌واتر، در اعتراف‌های خود در برابر دادگاه فدرال آمریکا اذعان کرده‌اند که اعضای این شرکت از دختران عراقی که هنوز به سن بلوغ نرسیده بودند، سوء استفاده جنسی کرده‌اند. این موضوع تا جایی پیش رفت که این شرکت در پی پدید آمدن رسوایی‌های زیاد نام خود را به شرکت "آکادمی" (Academi) تغییر داد. پیشتر نیز شبکه لبنانی "الجدید" فاش کرد که گروهی با نام "گروه مرگ" در حال آموزش برای اعزام به سوریه است. شبکه الجدید اعلام کرد که این گروه آموزشی از سوی شرکت بلک‌واتر از امان پایتخت اردن کنترل می‌شود و با رژیم صهیونیستی ارتباط مستقیم دارد. پرنس، مدیر سابق بلک‌واتر، پس از ورود به امارات و به درخواست "شیخ محمد بن زاید آل نهیان"، ولیعهد امارات نیز به ایجاد ارتشی سری برای امارات اقدام کرده است تا از شیوخ این کشور در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی دفاع کنند. بنا بر گزارش‌ها، آموزش و تأمین نیروهای این ارتش بر عهده شرکت آکادمی خواهد بود. حتی در سپتامبر سال ۲۰۱۰، "واین میدسن" روزنامه‌نگار معروف آمریکایی با افشای اسنادی از نقش شرکت بلک‌واتر در انفجارهای تروریستی پاکستان پرده برداشت. "میدسن" در افشاگری‌های خود خاطرنشان کرد که نیروهای "بلک‌واتر" یا "زی" مسئول اصلی انفجارهای تروریستی در پاکستان هستند و طالبان پاکستان اسمی است که در واقع بلک‌واتر از آن سوء استفاده می‌کند. طی سال‌های اخیر در هر کجای دنیا که جنگ و خون‌ریزی بوده است، ردپایی از مزدوران بلک‌واتر نیز وجود داشته است؛ اکنون هم که او کراین در کشاکش میان غرب و شرق دست و پا می‌زند به نظر می‌رسد بلک‌واتری‌ها به نیابت از آمریکا برای سرشاخ شدن با مسکو به کارزار او کراین پاگذاشته‌اند.

> طی سال‌های اخیر در هر کجای دنیا که جنگ و خون‌ریزی بوده است، ردپایی از مزدوران بلک‌واتر نیز وجود داشته است

جایگزین های احتمالی محمد بن سلمان و سناریوهای آینده عربستان

ورود سعودی به کشمکش ۲ قطبی؟

خادم- عربستان، کشوری که به محافظه‌کاری و پرهیز از تغییرات ناگهانی شهرت داشت، در سال‌های پادشاهی ملک سلمان به خودرویی ترمز بریده شبیه شده است که ممکن است هر لحظه سر نشینانش را به قعر دره بفرستد. مسبب این رویداد هم فردی جز محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی نیست. کشوری که به داشتن پادشاهان ۷۰ و ۸۰ ساله عادت کرده بود، یک شبه صاحب ولیعهدی شد که ۳۰ سال هم سن نداشت. ولیعهدی که رویای پادشاهی در سر می‌پروراند، در پی قتل ناشیانه جمال خاشقچی با چالش تاج و تخت روبه رو شده است. محمد بن سلمان در طول چهار سالی که وارد عرصه قدرت شده، عملا هیچ دستاوردی در صحنه سیاست خارجی نداشته است. شکست او در تهاجم نظامی به یمن و کشتار هزاران غیر نظامی این کشور، محاصره نافرجام قطر، خراب کردن روابط حسنه با دیگر کشورهای همسایه و باج دادن به آمریکا و رژیم صهیونیستی برای حمایت از او، جایگاه عربستان را در صحنه بین‌المللی متزلزل کرده و قتل روزنامه نگار منتقد آل سعود او را در موقعیتی قرار داده است که حتی حامیان آمریکایی و غربی‌اش برای حفظ ظاهر هم که شده، از لزوم برکناری او سخن می‌گویند. در چنین شرایطی احمد بن عبدالعزیز شاهزاده سعودی که در صورت چرخش سنتی قدرت باید ولیعهد مقرن بن عبدالعزیز می‌شد، از لندن به ریاض بازگشته است. او پیش از ماجرای خاشقچی یکی از منتقدان بن سلمان و معترضان به جنایت جنگی عربستان در یمن بود. حالا در بحبوحه تضعیف جایگاه بن سلمان او به ریاض بازگشته و به جای این که از سوی ولیعهد بازداشت شود، مورد استقبال قرار گرفته است. بی‌تردید اگر محمد بن سلمان در گیر پرونده خاشقچی نشده بود، احمد بن عبدالعزیز به محض ورود به ریاض باید دستگیر و زندانی می‌شد اما همین که او مورد استقبال قرار گرفته، نشان می‌دهد بن سلمان دیگر چک سفید امضای خود را برای هر گونه اقدامی از دست داده است. اکنون این وضعیت فرصتی را برای شاهزادگان ناراضی فراهم کرده است که بر محور احمد بن عبدالعزیز با محمد بن سلمان وارد رویارویی شوند و این جسارت را از خود نشان دهند که حتی بن سلمان را از قدرت خلع کنند و این به معنای پایان پادشاهی بن سلمان نیز خواهد بود. به ویژه این که جناح سنتی که در حلقه آن می‌توان از افراد مطرحی چون مقرن بن عبدالعزیز و متعب بن عبدا... نام برد از پشتیبانی انگلیس و کشورهای اروپایی برخوردارند و در بحبوحه انتخابات میان دوره‌ای کنگره آمریکا و بسته شدن دست‌های ترامپ در حمایت بی‌دریغ از محمد بن سلمان، فرصت دارند او را از قدرت خلع کنند. در این میان، روزنامه واشنگتن پست نیز گزینه‌های احتمالی خود را مطرح کرده است. یکی از سناریوهای در کنترل گرفتن خسارت‌های ناشی از ترور خاشقچی که مسئولان سابق غربی آن را مطرح کرده‌اند، می‌تواند تقسیم قدرت بین محمد بن سلمان و ولیعهد جوان سعودی با یک فرد مورد اعتماد باشد که به طور موقت صورت گیرد. معقول‌ترین و محتمل‌ترین فردی که می‌تواند در ماموریت تقسیم موقت حاکمیت با محمد بن سلمان حضور داشته باشد، «خالد الفیصل» مشاور پادشاه و امیر مکه است. این شاهزاده ۷۸ ساله سعودی یکی از نزدیک‌ترین افراد به پادشاه عربستان است که سلمان بن عبدالعزیز اعتماد زیادی به وی دارد. درست به دلیل همین اعتماد بود که وی به تازگی در قامت فرستاده شخصی پادشاه عربستان برای بررسی پرونده ترور خاشقچی به ترکیه اعزام شد. از دیگر اسامی که در این سناریو مطرح شده، «احمد بن عبدالعزیز» برادر ملک سلمان است که برای مدت کوتاهی در سال ۲۰۱۲ به عنوان وزیر کشور عربستان مشغول به کار بوده است. وی طی چند هفته گذشته و در جریان تجمعی اعتراض‌آمیز در لندن انتقاداتی را متوجه پادشاه عربستان و فرزندوی کرد و آن‌ها را مسئول اوضاعی دانست که باعث بروز انتقادهای بین‌المللی و منطقه‌ای ضد حاکمیت آل سعود در عربستان شده است. بر اساس این گزارش نام «احمد بن عبدالعزیز» طی ماه‌های اخیر در نشست‌های مربوط به افراد عالی‌رتبه خاندان حاکم عربستان سعودی در ریاض و خارج از آن مطرح شده است. یکی از افرادی که در سه مورد از این نشست‌ها حضور داشته، می‌گوید که وی ممکن است به عنوان پوششی برای قدرت ولیعهد عربستان مورد استفاده قرار گیرد. واشنگتن پست همچنین به نقل از یک مسئول کنونی عربستان با اشاره به نبود تحرک در خاندان حاکم می‌نویسد که علت اصلی نبود تحرک این است که آن‌ها منتظر هستند تا ببینند پادشاه عربستان چه کاری انجام می‌دهد. با این حال، تغییر دادن بن سلمان تا حد زیادی بعید به نظر می‌رسد. گزینه بعد شاهزاده جوان «سلمان بن عبدالعزیز سلمان بن محمد آل سعود» است که ۳۸ سال دارد. وی یکی از ۱۱ شاهزاده جوانی بود که بعد از انجام تظاهرات ضد ولیعهد در داخل قصر حاکمیتی در ریاض بازداشت شد. منابع نزدیک به کاخ پادشاهی عربستان می‌گویند از عوامل و انگیزه‌های بازداشت این شاهزاده جوان که به غزالان ملقب شده، اطلاعی ندارند، اما محمد بن سلمان به شدت از دست وی عصبانی است. روزنامه واشنگتن پست در ادامه مقاله خود با وجود تمام مطالبی که نوشته است، تاکید دارد آمریکا و غرب همچنان به دنبال سرنگونی محمد بن سلمان و ولیعهد عربستان نیستند. محمد بن سلمان اشتباهاتی را مرتکب شده است، اما اگر از قدرت کنار گذاشته شود، ممکن است شخص دیگری در حاکمیت عربستان روی کار آید که رویکردهای سنتی و غیر مدرن را احیا کند. در این میان، نگرانی منطقه‌ای و بین‌المللی درباره خارج کردن بن سلمان از معادلات عربستان می‌تواند مشکلات بیشتری برای همه ایجاد کند. واشنگتن پست به نقل از یک مسئول سعودی که روابط خوبی با بن سلمان ندارد، می‌نویسد: ولیعهد عربستان این کشور را در گرو محاسبات منفعلانه خود قرار داده و اشتباهات بزرگی را مرتکب شده است. این کشور به هیچ وجه نمی‌تواند در بلند مدت شریکی مورد اعتماد برای آمریکا و جهان غرب باشد. روند برکناری محمد بن نایف از ولایتعهدی عربستان به نفع محمد بن سلمان، شوکی برای بسیاری از افراد در داخل و خارج از عربستان بوده است، چرا که بن نایف سابقه طولانی در فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی دارد و از متحدان نزدیک آمریکا به شمار می‌رفت. محمد بن سلمان بلافاصله بعد از قرار گرفتن در نوک پیکان جانشینی پدرش، سازمان‌های امنیتی رسمی در عربستان سعودی از ارتش گرفته تا نیروهای امنیتی و حتی گارد پادشاهی را تحت سلطه مستقیم خود قرار داد. این در حالی بود که گارد پادشاهی پیش از این در اختیار متعب بن عبدا... فرزند پادشاه سابق این کشور قرار داشت که او نیز فردی با سابقه است. به این ترتیب محمد بن سلمان کنترل کامل خود را بر تمامی مسائل نظامی در عربستان برقرار کرد که مهم‌ترین آن‌ها عقد قراردادهای تسلیحاتی است. تحلیلگران اعتقاد دارند این تحولات باعث شده محمد بن سلمان اعتماد به نفس بیش از حدی پیدا کند که این روند به غرور وی انجامیده است. او در همین زمینه هجمه‌ای آشکار و خشن را ضد شاهزادگان داخل خاندان پادشاهی آغاز و تعدادی از آن‌ها را به همراه برخی بازرگانان و مسئولان دولتی در هتل ریتز کارلتون بازداشت کرد. واشنگتن پست در پایان گزارش خود به جزئیات بحران روز افزون جمال خاشقچی روزنامه نگار منتقد سعودی پرداخته و می‌نویسد: به نظر نمی‌رسد این اتفاق تاثیر زیادی در داخل عربستان داشته باشد. این روزنامه می‌افزاید: بسیاری از سعودی‌ها در نتیجه پوشش رسانه‌های تبلیغاتی وابسته به عربستان سعودی معتقدند که محمد بن سلمان، در پرونده ترور خاشقچی یک قاتل نیست، بلکه یک قربانی است. بر اساس این گزارش مردم عربستان تحت تاثیر واقعی رسانه‌های این کشور قرار دارند که به صورت گسترده پرونده خاشقچی را بر اساس قربانی نشان دادن محمد بن سلمان مطرح می‌کنند. به هر رو، بازگشت احمد بن عبدالعزیز از لندن به ریاض در کشاکش تضعیف جایگاه ولیعهد عربستان در پرونده خاشقچی چه به برکناری محمد بن سلمان منجر بشود چه نشود، این کشور را می‌تواند وارد کشمکش‌های دو قطبی بر سر قدرت کند.

سران جهان از چه تلفن همراهی استفاده می‌کنند؟

تقریبا همه سران سیاسی جهان در زمینه ارتباطات تلفنی محدودیت‌هایی دارند، اما همه آن‌ها از تلفن همراه استفاده می‌کنند. چندی پیش نیویورک تایمز در گزارشی اعلام کرد که سرویس‌های جاسوسی چین، تلفن همراه دونالد ترامپ را شنود می‌کنند. وزارت خارجه چین در پاسخی طعنه‌آمیز ضمن رد این گزارش اعلام کرد ترامپ اگر می‌خواهد شنود نشود، بهتر است از گوشی‌های هوآوی استفاده کند. به این بهانه در ادامه مطلب به این سوال که سران جهان از چه تلفن همراهی استفاده می‌کنند، پاسخ خواهیم داد.

دونالد ترامپ: گفته می‌شود دونالد ترامپ توئیت‌هایش را از طریق تیم روابط عمومی‌اش انجام می‌دهد. با این حال او پیش از تحلیف ریاست جمهوری توئیت‌هایش را با استفاده از سامسونگ گلکسی قدیمی‌اش می‌نوشت که به وضوح روی آن نوشته: «به همراه توئیتر». با وجود تهدیدهای ترامپ علیه شرکت اپل، او مجبور بود به منظور حفظ امنیت اطلاعاتی‌اش از زمان ورود به کاخ سفید از یک آیفون استفاده کند. این موضوع را «دان اسکاوینو»، مدیر کل رسانه‌های اجتماعی کاخ سفید از طریق توئیتر تایید کرده است.

ولادیمیر پوتین: رئیس جمهور روسیه بسیاری مواقع ادعا کرده است که از تلفن همراه استفاده نمی‌کند، چرا که به تهدیدات امنیتی منجر می‌شود اما بر اساس گزارش تلگراف، پوتین یک گوشی هوشمند گلوناس ۹۴۵ اندرویدی دارد که توسط شرکت MTS ساخته شده است.

خانواده سلطنتی بریتانیا: این خانواده عاشق آیفون هستند. آخرین باری که پرنس ویلیام با یک آیفون دیده شد، در المپیک سال ۲۰۱۳ بود. ملکه الیزابت به کار کنانش دستور داده که آیپد بخرند.

کیم جونگ اون: گوشی هوشمند مورد استفاده رهبر کره شمالی بسیار مشکوک است؛ چرا که مشخص نیست مدل آن چیست! اما در یک عکس منتشر شده از وی گمان می‌رود اویک گوشی اچ‌تی سی باتر فلای دارد. کره شمالی گوشی‌های اندرویدی خاص خود دارد که به نام «آریرنگ» شناخته می‌شود و تنها ۱۰ درصد مردم مجاز به استفاده از آن هستند و این ۱۰ درصد شامل افسران، خانواده آن‌ها، بازرگانان و... می‌شوند، بنابراین ممکن است گوشی رهبر کره شمالی هم یکی از این‌ها باشد.

آنگلا مرکل: بنا بر گزارش گاردین، صدراعظم آلمان، دو گوشی هوشمند دارد. یکی نوکیا ۶۲۶۰ است و دیگری بلک‌بری Z۱۰. او برای کارهای دفتری از نوکیا استفاده می‌کند و برای کارهای دیگرش از بلک‌بری.

امانوئل ماکرون: تصویری که از جوان‌ترین رئیس جمهور تاریخ فرانسه و دفتر کارش منتشر شده نشان می‌دهد او روی میزش، دو پرچم، یک ساعت، سه کتاب و دو گوشی آیفون دارد. گرچه ممکن است برخی بگویند این گوشی‌های موبایل را روی میز او قرار داده‌اند و شاید گوشی‌های خود او نباشد اما با توجه به این که او چهره مدرن فرانسه است، حدس می‌زنیم اپل را بر گوشی‌های اندرویدی ترجیح می‌دهد.

خبر متفاوت

بازیگر پورنو وزیر فرهنگ برزیل می‌شود؟

در حالی که گمانه‌زنی‌ها درباره ترکیب دولت آینده برزیل به رهبری ژایر بولسونارو ادامه دارد، احتمال انتخاب الکساندر فورتا، بازیگر سابق فیلم‌های پورنو سر و صدای بسیاری در رسانه‌های جهان به پا کرده است. فورتا از حزب سوسیال لیبرال (جریان سیاسی متبوع بولسونارو) در جریان انتخابات پارلمانی برزیل توانست از سائوپائولو به مجلس نمایندگان راه یابد. ژایر بولسونارو، رئیس جمهور منتخب برزیل با ارسال یک پیام ویدئویی انتخاب فورتا به عنوان نماینده را به وی تبریک گفت و وعده داد در صورت پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، او را وزیر فرهنگ می‌کند. با این حال از حدود ۱۰ سال پیش، فورتا پس از خروج از صنعت پورنو، توبه کرده و پس از ازدواج، با پیوستن به کلیسای اوانجلیک (انجیلی)، هم اکنون در مخالفت با تولید فیلم‌های «هرزه‌نگارانه» موعظه برگزار می‌کند. بسیاری از ناظران مسائل سیاسی برزیل معتقدند در کابینه بولسونارو، جریان مسیحی اوانجلیست، نظامیان، هواداران پروپا قرص اقتصاد آزاد و حقوق دانان مخالف حزب کارگر، سمت‌های کلیدی را قبضه خواهند کرد.

اندیشکده روز

تاوان خون خاشقچی برای بن سلمان

دنیس راس کارشناس اندیشکده واشنگتن نوشت: معتقدم هم دولت و هم بخش خصوصی آمریکا نقشی مهم در موفقیت سیاست‌های محمد بن سلمان در زمینه تغییر و دگرگونی در عربستان دارند. چشم‌انداز ۲۰۲۰ (۱۳۹۹) ولیعهد ریاض نوید دهنده دموکراسی نیست بلکه از تغییرات اجتماعی و اقتصادی مهم و دور از دسترسی خبر می‌دهد که مستلزم رد قرائت سخت‌گیرانه وهابیت از اسلام است، قرائتی که موجب صدور القاعده، داعش و افراط‌گرایی در سراسر خاورمیانه و ورای آن به نفع منافع آمریکا شده است. به همین ترتیب، ایجاد مدل توسعه موفق برای خاورمیانه نیاز مند مبارزه با اقدامات رادیکالی است که نوید دهنده پیشرفت و عدالت است و همواره نیز برعکس این عمل می‌کند. دولت ترامپ ممکن است بر این مسائل و مسائلی مانند منافع مشترک ما در زمینه‌های اقتصادی و تجاری در عربستان تمرکز کند. تعریف دولت ترامپ از منافع ما باعث شده است این دولت برای مدیریت تبعات قتل خاشقچی تلاش کند. درست است که ما برای حفظ رابطه خود با عربستان دلیل داریم اما، باید مقررات خاص جهانی مانند رد قتل شهروندان در دیگر کشورها یا کشاندن یک روزنامه‌نگار یا منتقد به کنسولگری برای کشتن یا ترساندن آن‌ها را نیز مدنظر داشته باشیم. افزون بر این، اگر محمد بن سلمان قرار است به مدت چند دهه بر عربستان حکمرانی کند، باید این را بفهمد که این نوع رفتار توان سنگینی دارد و حتی می‌تواند همه اهدافی را که او برای این پادشاهی دارد، نابود کند. دولت ترامپ باید در درجه اول، با متقاعد کردن پادشاه و ولیعهد عربستان به تغییر، آن‌ها را متحمل توان قتل خاشقچی کند و در نهایت، باید به باطل کردن روادید و تحریم افراد دخیل در این قتل متوسل شود. علاوه بر این، دولت ترامپ باید به شاه و ولیعهد سعودی پیام دهد که سرکوب مخالفان و ناراضیان از سوی آن‌ها را به گوش جهان می‌رساند. فروش تسلیحات دفاعی به عربستان را متوقف می‌کند، به پشتیبانی از عملیات هوایی عربستان در یمن خاتمه می‌دهد و اگر عربستان شیوه عملکرد خود را تغییر ندهد، با مخاطرات بالایی مواجه خواهد شد.

با انتخابات ۲۰۱۸ کنگره

آمریکای ۲ پاره در آستانه انتخابات

نشریه انگلیسی اکونومیست طرح روی جلد و موضوع سرمقاله این هفته خود را به وضعیت آمریکا در آستانه انتخابات میان دوره‌ای ماه نوامبر اختصاص داده است. اکونومیست در این سرمقاله با اشاره به این که این کشور بیش از هر زمان دیگری طی دهه‌های اخیر چندپاره و عصبانی جلوه می‌کند، این نکته نیز بیان شده که در آمریکا عادی شده است که سیاستمداران با یکدیگر مانند افرادی رند، احمق یا خائن رفتار کنند و حالا هم که در آستانه انتخابات میان دوره‌ای شاهد ارسال بمب برای ۱۴ تن از مخالفان ترامپ و تیراندازی و کشته شدن ۱۱ نفر در یک کنیسه بودیم؛ رویدادی که بدترین اقدام ضدسامی در تاریخ آمریکا محسوب می‌شود. به عقیده اکونومیست سیاست‌های مسموم دولت فدرال بزرگ‌ترین ضعف آمریکاست. این دولت از اقدام در زمینه مسائل واقعی که بر کشور فشار وارد می‌آورد، همچون مهاجرت و رفاه، اجتناب می‌ورزد، همچنین موجب تخریب اعتماد مردم به دولت و نهادهایش شده و جایگاه دموکراسی آمریکا در خارج از مرزها را متزلزل کرده است. به زعم نشریه اکونومیست، انتخابات میان دوره‌ای آمریکا فرصتی است برای توقف این زوال و حتی آغاز مسیر دشوار اصلاح این امور. اکونومیست نوشت: گرچه ترامپ آغازگر این تحقیر آمریکا نبوده است، اما او هم مانند دیگران مشتاقانه آن را به آغوش کشیده و به عنوان میراث خود به اعماق جدیدی تنزل داده است. همه سیاستمداران دروغ می‌گویند اما دروغ‌های ترامپ فراوان است. طبق اعلام نشریه واشنگتن پست، او از زمان آغاز ریاست جمهوری‌اش تاکنون بیش از پنج هزار بار دروغ گفته است. فریب‌های او آن قدر بی‌باکانه و تاثیرگذار است که بسیاری از حامیانش سخنان او را بالاتر از هر نقدی می‌دانند، به ویژه آن دسته از فریب‌هایش که در رسانه‌ها و روبه‌روی همه مخاطبان مطرح می‌شوند. این وضعیت برای ترامپ مناسب است، چون هیچ کس نمی‌تواند از او حساب پس بگیرد و او را پاسخ‌گو کند و البته کسی هم باورش نمی‌کند. اما این وضعیت برای آمریکا فاجعه‌بار است. از آن جا که از قدرت بحث منطقی در برنده شدن کاسته می‌شود، دموکراسی نمی‌تواند درست عمل کند. ترامپ عامدانه تفرقه‌انداز است. همه سیاستمداران به دشمنان خود حمله می‌کنند اما روسای جمهور وظیفه خود می‌دانند که پس از وقوع یک تراژدی کشور را متحد سازند. فقط ترامپ است که از ماجرای تیراندازی در کنیسه به عنوان شانسی استفاده می‌کند تا به رسانه‌ها و دموکرات‌هایی حمله کند که از او انتقاد می‌کردند. چنین تفرقه‌افکنی اهمیت دارد چون وقتی دشمنان تان افراد بدی هستند، مصالحه‌ای که بنیان همه سیاست‌های سالم است، بین احزاب دشوار و تقریبا غیرممکن می‌شود. البته ترامپ تنها سیاستمداری نیست که در تفرقه‌اندازی غوطه‌ور شده است، اما در این زمینه به قدرتمندترین و ماهرترین آن‌ها تبدیل شده است. با این وضعیت چه باید بشود؟ درست به این دلیل که سیاست آمریکا یک شبه به این وضع دچار نشده است، در مسیر پیش‌رو هم باید قدم‌های کوچک برداشت. آغاز این مسیر انتخابات هفته جاری است و نخستین قدم دستکم برای مجلس نمایندگان این است که کنترل به دموکرات‌ها منتقل شود. این موضوع به این دلیل مهم است که باید ترامپ مورد نظارت کنگره قرار گیرد و کنگره باید جلسات استماعی را برای بررسی رفتارهای او برگزار کند. اما جمهوری‌خواهان مجلس نمایندگان تاکنون نتوانسته‌اند چنین کاری کنند و وظایف قانونی خود را نادیده انگاشته‌اند. بی‌شک آمریکا نمی‌تواند تنها در یک انتخابات سیاست خود را مرمت کند اما دستکم تعداد آرای بیشتر، احیای حزب جمهوری‌خواه و یک رئیس جمهور متفاوت با رویه اخلاقی متفاوت می‌تواند یک پیشرفت محسوب شود. نتیجه در دست انتخابات هفته آینده می‌تواند این مسیر را هدف‌گذاری کند.

قاب بین الملل

گروه تروریستی داعش در آخرین آماری که به تفکیک مذهب از عملیات خود در نقاط مختلف و در بازه زمانی ۲۴ تا ۳۰ مهر منتشر کرده، به کشتن و زخمی کردن ۴۳۵ نفر (احتمالا آمار مبالغه‌آمیز است) اشاره کرده است. از این تعداد ۲۸۵ نفر سنی، ۷۶ نفر شیعه، ۶۷ نفر علوی و سه نفر مسیحی هستند. این آمار به خوبی گویای آن است که بخش عمده قربانیان داعش که مدعی تلاش برای احقاق حقوق اهل سنت و نجات آن‌ها از ظلم شیعیان و علوی‌هاست، از طایفه سنی هستند. عراق (کرکوک، دیالی، صلاح‌الد